

سخن گفتن، مهارتی مغفول در برنامه درسی زبان فارسی*

دکتر مریم دانای طوسی^۱

چکیده

صحبت کردن به صورت «کاربرد زبان شفاهی برای تعامل مستقیم و بلافصل با دیگران» تعریف می‌شود و صورت آکادمیک آن سخن گفتن است. سخن گفتن شامل گفتار غیررسمی و گفتار رسمی از قبل آماده شده است. گفتار غیررسمی آن نیاز چندانی به آموزش مستقیم ندارد، اما گفتار رسمی مستلزم آموزش جدی است. هدف تحقیق حاضر تدوین شاخص‌های آموزش مهارت سخن گفتن در برنامه درسی زبان ملی برای دوره ابتدایی و نیز تبیین نقاط قوت و ضعف راهنمای برنامه درسی زبان فارسی برای دوره ابتدایی ایران (ویراست ۱۳۸۸) به لحاظ شاخص‌های مورد نظر بود. برای نیل به این هدف، محتوای برنامه درسی زبان ملی آمریکا (ایالت نیوجرسی، ۲۰۰۴)، انگلستان (۲۰۰۷)، سنگاپور (۲۰۰۶) و نیز راهنمای برنامه درسی زبان فارسی (ویراست ۱۳۸۸) برای دوره ابتدایی به شیوه کیفی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. حاصل کار نشان داد که در چارچوب برنامه درسی زبان فارسی مهارت سخن گفتن امری دانسته شده فرض می‌شود چرا که تعریف مشخصی برای آن مطرح نمی‌شود و خرده مهارت‌های آن نیز معرفی نمی‌شوند. این موضوع باعث شده است که هدف‌های آموزش آن نیز به صورت کلی و مبهم ارائه شوند. از طرفی، در چارچوب این برنامه درسی، آموزش مهارت سخن گفتن به صورتی متناسب با بافت موقعیت، انتقادی و با کمک فناوری اطلاعات و ارتباطات برنامه‌ریزی نشده است.^۱

کلیدواژه‌ها: مهارت‌های زبانی، سخن گفتن، برنامه درسی زبان فارسی، دوره ابتدایی.

*تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/ ۱/۱ تاریخ شروع بررسی: ۱۳۸۹/ ۲/۱۶ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۰/۲/۳۱

۱. دانشگاه گیلان، پست الکترونیکی: maryam.dana@gmail.com

مقدمه

گفتار آشکار همیشه در بافتی اجتماعی روی می‌دهد، مگر این‌که فرد دچار مشکل جدی باشد. ما در هنگام سخن گفتن یک یا چند شنونده را مخاطب قرار می‌دهیم و هدف اصلی از آن برقراری ارتباط با دیگران است. به گفته گرایس (۱۹۶۷) کلید ارتباط موفق اصل همکاری^۲ است که بر اساس آن گوینده و شنونده باید سعی کنند در برقراری ارتباط مشارکت فعال داشته باشند. صحبت کردن به صورت «کاربرد زبان شفاهی برای تعامل مستقیم و بلافصل با دیگران» تعریف می‌شود و صورت آکادمیک آن سخن گفتن است (رُست گلدن^۳، ۱۹۹۸). در این مقاله برای برجسته کردن مهارت سخن گفتن دانش‌آموزان، به تعاملاتی که در فضاهای آکادمیک روی می‌دهد توجه می‌شود. در فضاهای آکادمیک، تعاملات در وهله اول در جهت فراگیری، انتقال و بازنمایی دانش صورت می‌گیرند. به‌علاوه، تعاملات در محیط‌های آکادمیک به سازماندهی، مدیریت و تنظیم فعالیت‌های یادگیری مربوط می‌شوند.

توانش زبان شفاهی مستلزم دانش و توانایی کنترل طیف وسیعی از مختصه‌های واج‌شناختی و نحوی، واژگان، گونه‌های ادبی شفاهی و نیز داشتن اطلاعاتی درباره چگونگی کاربرد مناسب آنهاست (باتلر، ایگنور، جونز، مک نامارا و سومی^۴، ۱۹۹۹).

صحبت کردن مستلزم «تبدیل» مفاهیم و ایده‌ها به الگوهای صوتی تولید شده توسط اندام‌های تولیدی است. در فرایند این «تبدیل»، فرد باید واژه‌های مناسب را برای انتقال پیام مورد نظر از حافظه خود بازیابی کند. گذشته از این، او باید این واژه‌ها را براساس خاصیت‌های دستوری زبان گفتاری با یکدیگر تلفیق کند. سرانجام، باید اطلاعات مربوط به چگونگی تولید واژه‌ها منتخب را نیز بازیابی کند. اگرچه افراد عمدتاً تمام این فرایندها را به راحتی (کمتر از ۱ اشتباه در هر ۱۰۰۰ واژه) و به سرعت (۲ واژه در هر ثانیه؛ لولت^۵، ۱۹۸۹) از سر می‌گذرانند، باید دانست که سازوکارها در خیل در تولید گفتار بسیار پیچیده است و درباره آنها اطلاعات ناچیزی وجود دارد. نظریه پردازان اتفاق نظر دارند که تولید گفتار مستلزم فرایندهای متعدد است. برای مثال، به نظر لولت (۱۹۸۹) گفتار طی ۳ فرایند اصلی تولید می‌شود:

- فرایند مفهوم‌سازی^۶: برنامه‌ریزی برای پیامی که باید منتقل شود؛
 - فرایند صورت‌بندی^۷: تبدیل پیام مورد نظر به جمله‌ای خاص و شکل دادن به صدای کلمات در جمله (تبدیل بازنمایی مفهومی به صورت زبانی)؛

- فرایند تولید^۸: مرحله پایانی که در آن واژه‌ها به گفتار تبدیل می‌شوند و مستلزم برنامه‌ریزی آوایی و تولید است.

در فرایند مفهوم‌سازی، سخنگو نخست قصد سخن گفتن می‌کند و برای تدوین پاره گفتار مورد نظر خود اطلاعات مربوط را از حافظه یا محیط خویش انتخاب می‌کند. تا اینجا، محصول مفهوم‌سازی پیامی است که هنوز به مرحله تولید کلامس نرسیده است. این مرحله سطح پیامی بازنامایی نامیه می‌شود. درباره فرایندهای مفهوم‌سازی و سطح پیام اطلاعات چندانی وجود ندارد. سطح پیام مستلزم تعامل با جهان پیرامون، مخصوصاً با سخنگویان دیگر، و با حافظه معنایی است. شروع فرایند تولید باید وجه اشتراک زیادی با نقطه پایانی فرایند درک داشته باشد. ما هنگامی که صحبت می‌کنیم قصد داریم با زبان خود به چیزی دست پیدا کنیم. لولت (۱۹۸۹) بین برنامه‌ریزی خرد^۱ و برنامه‌ریزی کلان^۲ در فرایندهای مفهوم‌سازی تمایز قائل شد. برنامه‌ریزی کلان مستلزم بیان یک هدف ارتباطی در قالب چند هدف فرعی، و بازیابی اطلاعات مناسب است. اما برنامه‌ریزی خرد مستلزم اطلاق شکل گزاره‌ای صحیح به این قطعات اطلاعاتی و تصمیم‌گیری درباره مواردی نظیر موضوع یا کانون پاره گفتار است.

دومین فرایند، یعنی فرایند صورت‌بندی، دو مؤلفه اصلی دارد: نخست این که باید تک‌تک واژه‌هایی را که می‌خواهیم بر زبان آوریم انتخاب کنیم^۳، و دوم این که آنها را برای تشکیل جمله کنار هم قرار دهیم (برنامه‌ریزی نحوی). البته همیشه ضروری نیست که برای استخراج معنای یک جمله بازنامایی نحوی آن را ایجاد کنیم (به‌ویژه به هنگام سخن گفتن).

فرایند سوم، فرایند تولید یا فرایند رمزگذاری واج‌شناسی است که مستلزم تبدیل واژه‌ها به صداها به ترتیب صحیح، ادای واژه‌ها با سرعت صحیح و با مختصه‌ها یزیر زنجیری مناسب (آهنگ، زیر و بمی، بلندی و ریتم) است (برای توضیحات بیشتر درباره فرایند تولید گفتار به دانای طوسی، ۱۳۸۹؛ صص ۱۱۳ - ۱۱۶ نگاه کنید).

براساس راهنمای «انجمن ارتباط گفتاری آمریکا»، سخن گفتن شامل گفتار غیررسمی خودانگیخته (مثلاً صحبت کردن به صورت گروهی، واکنش به بحث کلاسی، مشارکت در مصاحبه‌ها) و گفتار رسمی و از قبل آماده شده است. همچنین، به هنگام آموزش سخن گفتن بر رفتارهای مورد انتظار در موقعیت‌های رسمی و غیررسمی و فرایند تدوین متن گفتاری تأکید می‌شود. اگرچه بلندخوانی، بازی در نمایش و گفتن مطالب از حفظ، فعالیت‌های ارزشمندی هستند، اما سخن گفتن محسوب نمی‌شوند و معلمان نباید فرض کنند که در برنامه‌درسی تنها با این فعالیت‌های شفاهی، می‌توان به معیارهای سخن گفتن دست یافت. سخن گفتن غیررسمی معمولاً از طریق کارهای گروهی کوچک در قالب کارگاه‌های نوشتن و بحث درباره پیشینه موضوع مورد بحث به صورت بخشی از برنامه‌درسی آموزش داده می‌شود. بهترین نقطه شروع آموزش برای شکل دادن به توانایی‌های گفتاری دانش‌آموزان،

سخن گفتن به صورت غیررسمی است. تمرینات گسترده در زمینه صحبت کردن اکتشافی و پیام‌های کوتاه فی‌البداهه شالوده‌آمادگی دانش‌آموزان را برای ارائه سخنرانی‌های رسمی و انفرادی طولانی فراهم می‌آورد (رُست گُلدن، ۱۹۹۸).

سخن گفتن به صورت غیررسمی نیاز چندانی به آموزش مستقیم ندارد. مسئولیت اولیه معلم ایجاد موقعیت‌های کلاسی است تا از طریق آن مشارکت فعال دانش‌آموزان در گفتارهای کلاسی افزایش یابد. بیشتر گفت‌وگوهای غیررسمی کلاس در قالب سخن گفتن با بقیه دانش‌آموزان کلاس به صورت نشسته روی صندلی و یا در قالب گروه‌های کوچک انجام می‌شود. زمانی که دانش‌آموزان توانستند آرا و اندیشه‌های خود را در بحث‌های کلاسی به راحتی مطرح کنند، باید به سمت آماده کردن و ارائه سخنرانی‌های انفرادی ساده‌ای مانند روایت‌های نسبتاً ساده پیش بروند. اینجاست که معلمان باید دانش‌آموزان را از طریق آموزش فرایند ساخت گفتار هدایت کنند. آموزش سطح تدوین مقدماتی مطالب باید مبتنی بر آموزش فرایند نوشتن باشد (آموزش سخن گفتن در تلفیق با نوشتن). راحت‌ترین شیوه برای تهیه فهرست گزینه‌های واژگانی و ساختار جمله مناسب برای مخاطب شنونده، تدوین پیش نویس برای ارائه گفتار به منظوره‌های خاص است (رُست گُلدن، ۱۹۹۸).

دانش‌آموزان عموماً به هنگام ارائه گفتار به منظوری خاص به برنامه دقیق، تمرین زیاد و یادداشت‌های خود تکیه می‌کنند، اما یک سناریوی نوشتاری تولید نمی‌کنند. آنها بعد از این که درباره موضوع موردنظر تحقیق کردند و هدف، نکات مهم، الگوی سازمان‌دهنده و مطالب حمایت‌کننده را انتخاب کردند، برنامه دقیقی را در قالب رئوس مطالب، فهرست، نقشه، یا هر نظام یادداشت‌برداری که در نظر دارند تدوین می‌کنند. گام بعدی، ارائه سخنرانی در یک موقعیت ویژه با دنبال کردن راهنمای نوشتاری، توقف و شروع مجدد در مواقع مورد نیاز و کشف راه‌های دیگر بیان پیام است. کار دانش‌آموز روی متن سخنرانی منجر به تدوین پیش‌نویس شفاهی می‌شود. مرحله بعد، اصلاح متن بر اساس ارزیابی مجدد آن است. دانش‌آموزان همچنان به صورت انفرادی و خصوصی بارها از طریق سخنرانی صحبت می‌کنند و در مواقع مورد نیاز آن را اصلاح می‌کنند.

زمانی که دانش‌آموز به این باور می‌رسد که متن سخنرانی تدوین شده است باید متن موردنظر زمان‌بندی و یادداشت‌های آن آماده شود. در گام بعد، دانش‌آموز باید از رفتارهای مربوط به ارائه، مانند مکان ایستادن، وضعیت بدن در هنگام ایستادن و بلندی صدای خود آگاه شود. همچنین، ممکن است بخواهد در این مقطع از همسالان خود بازخورد بگیرد و پیشنهادها را پیش از ارائه نهایی در سخنرانی خود بگنجاند.

متن نهایی سخنرانی تنها زمانی شکل می‌گیرد که دانش‌آموز باید در حضور مخاطب سخنرانی خود

را ارائه دهد. برای طبیعی و تازه نگهداشتن سخنرانی، دانش‌آموز باید سعی کند در هر یک از جلسات تدوین پیش‌نویس شفاهی از زبانی نسبتاً متفاوت استفاده کند. این تنوعات زبانی به یادگیری راه‌های متفاوت بیان یک ایده کمک می‌کند. در این صورت، اگر دانش‌آموز در یادآوری یا یافتن واژه‌ها در حین سخنرانی واقعی دچار مشکل شود می‌تواند از گزینه‌های واژگانی دیگر استفاده کند.

غالباً در مراحل آغازین یادگیری سخن گفتن رسمی، دانش‌آموزان ایده سخن گفتن بدون یک متن نوشتاری را ترسناک می‌یابند. اما آموزش فرایند تدوین پیش‌نویس شفاهی و دادن تمرین به آنها و شروع کردن با سخنرانی‌های کوتاه و ساده به آنها کمک می‌کند تا به شیوه‌ای طبیعی و مخاطب محور سخن بگویند (رُست گلدن، ۱۹۹۸). مهم‌ترین ملاک قضاوت درباره مؤثر بودن ارائه شفاهی این است که بدانیم آیا دانش‌آموز با مخاطب ارتباط مستقیم برقرار کرده است یا نه. اگر سخنران و مخاطب نتوانند با یکدیگر ارتباط برقرار کنند سخنرانی تأثیر واقعی چندانی بر مخاطب نخواهد داشت. سخنران‌های موفق که طبیعی و راحت به نظر می‌رسند کسانی هستند که بر پیام و چگونگی انتقال آن به مخاطب تأکید می‌کنند نه فقط بر ظاهر و احساس خود.

از طرفی، ممکن است بعضی از دانش‌آموزان به بازخورد خاصی از سخنرانی خود نیاز داشته باشند تا بتوانند صدا و مشکلات بدنی خود را که برای مخاطب مشکل‌ساز می‌شود کاهش دهند. این بازخوردها از جمله یادآوری به سخنران برای سخن گفتن با صدای بلند و واضح است طوری که مخاطب بتواند بدون تلاش چندانی پیام را بشنود. همچنین سخنران باید با مخاطبان تماس چشمی برقرار کند بدین گونه که به مدتی کوتاه مستقیماً در چشمان مخاطب نگاه کند نه اینکه تنها سر تکان دهد یا به فضای بالای سر مخاطبان چشم بدوزد. همچنین، هنگامی که دانش‌آموز حین سخنرانی طوری رفتار می‌کند که حواس مخاطب را پرت می‌کند و مانعی بین خود و مخاطب می‌شود باید به او بازخورد داد. البته بهتر است این موارد در موقعیت‌های خصوصی به دانش‌آموزان تذکر داده شود نه به‌طور آشکار، زیرا تذکر مستقیم اعتماد به نفس آنها را در جمع از بین می‌برد (رُست گلدن، ۱۹۹۸).

سخنرانی عمومی فرایند سخن گفتن با گروهی از افراد به شیوه‌ای ساختاریافته و عمدی است که با هدف اطلاع‌رسانی، تأثیرگذاری یا سرگرم کردن آن افراد صورت می‌گیرد. سخنرانی عمومی مانند هر صورت دیگر ارتباطی، دارای پنج عنصر اصلی است که غالباً در قالب پنج سؤال «چه کسی می‌گوید؟ چه چیزی را می‌گوید؟ به چه کسی می‌گوید؟ با استفاده از چه رسانه‌ای می‌گوید؟ و با چه تأثیری می‌گوید؟» بیان می‌شود. هدف از سخنرانی عمومی می‌تواند انتقال اطلاعات، برانگیختن مخاطبان به عمل، داستان‌گویی یا سرگرم کردن دیگران باشد. خطیب خوب کسی است که بتواند احساس شنوندگان را تغییر دهد، نه این‌که تنها اطلاع‌رسانی کند (رُست

گلدن، (۱۹۹۸). به‌طور خلاصه می‌توان گفت در محیط‌های آکادمیک مهارت در سخن‌گفتن مستلزم مهارت در بحث و گفتگو و نیز ارائه شفاهی (غیررسمی و رسمی) است.

سنگ بنا و شالوده دانش و مهارت‌های زبان فارسی در دانش‌آموزان در پایه‌های ابتدایی بنا نهاده می‌شود و آموزش آنها در تمام سال‌های مدرسه ادامه می‌یابد. همچنین، دانش و مهارت‌های دانش‌آموزان در هر پایه آموزشی مبتنی بر دانش و مهارتی است که در پایه(ها)ی قبلی کسب کرده‌اند. برای این‌که دانش‌آموزان بتوانند به خوبی در موقعیت‌های مختلف سخن بگویند باید مؤلفه‌های مهارت سخن‌گفتن به آنها آموخته شود. به نظر می‌رسد که در شرایط کنونی، برنامه درسی زبان فارسی بیشتر با توجه به شم و شهود و ذوق و تجربه فردی مؤلفان تألیف می‌شود و آنها اطلاعات دقیق و روزآمدی در این زمینه در اختیار ندارند. شاهد این ادعا فقدان هدف‌های آموزشی دقیق یا مؤلفه‌های مهارت سخن‌گفتن به صورتی سطح‌بندی شده و نیز نبود یا کمبود تحقیقات در زمینه یادشده است.

شمار تحقیقاتی که درباره برنامه درسی زبان‌آموزی در ایران صورت گرفته است بسیار محدود است که در زیر به اختصار معرفی می‌شوند:

طیبی (۱۳۸۵) به مطالعه تطبیقی تولید راهنمای برنامه درسی زبان‌آموزی در دوره ابتدایی ایران و کشورهای فنلاند، فرانسه، آمریکا (ایالت کالیفرنیا) می‌پردازد. عصاره (۱۳۸۲) به بررسی مشکلات زبان‌آموزی کودکان پایه اول ابتدایی در مناطق دوزبانه ترک‌زبان و عرب‌زبان و ارائه الگوی برنامه درسی برای آنان می‌پردازد. قاسم‌پور (۱۳۸۲) عناصر و مؤلفه‌های برنامه درسی زبان‌آموزی دوره ابتدایی را در چهار محور هدف، محتوا، روش و ارزشیابی در ایران و ایالات کالیفرنیا، آریزونا، ویرجینیا و ویسکانزین آمریکا مورد مطالعه تطبیقی قرار می‌دهد و تلاش می‌کند الگوی مناسبی برای برنامه‌ریزی آموزش فارسی در مقطع ابتدایی ایران ترسیم کند. نعمت‌زاده (۱۳۸۴) به شناسایی واژگان پایه ادراکی و تولیدی دانش‌آموزان دوره ابتدایی ایران در سطوح اسامی ذات، فعل‌ها و صفات می‌پردازد. وزیرنیا (۱۳۸۴) نیز با اجرای طرح پژوهشی زبان فارسی معیار (در متن آموزشی) در پی دستیابی به تعریف زبان معیار و گونه آموزشی آن بوده است. در هیچ یک از پژوهش‌های مطرح شده شاخص‌های آموزش مهارت‌های زبانی مورد توجه قرار نگرفته است و تنها به ذکر نقاط قوت و ضعف برنامه‌های درسی مختلف جهان، بدون داشتن شاخص و مبنای نظری روشن اقدام شده است. بنابراین هدف‌های پژوهش حاضر عبارتند از:

۱. تدوین شاخص عمق و شاخص گستره آموزش مهارت سخن‌گفتن در دوره ابتدایی؛
۲. بررسی و مقایسه هدف‌های آموزش سخن‌گفتن در راهنمای برنامه درسی زبان فارسی

دوره ابتدایی با شاخص‌های عمق و گستره آموزش این مهارت زبانی؛
۳. بررسی و تحلیل راهنمای برنامه‌دستی زبان فارسی در دوره ابتدایی به لحاظ توجه به شاخص‌های عمق و گستره آموزش مهارت سخن گفتن و تبیین نقاط قوت و ضعف آن.

پرسش‌های پژوهش حاضر عبارتند از:

۱. آموزش مهارت سخن گفتن و مؤلفه‌های آن در برنامه‌دستی زبان ملی دوره ابتدایی باید چه عمق و گستره‌ای داشته باشد؟
۲. آموزش مهارت سخن گفتن و مؤلفه‌های آن در دوره ابتدایی در برنامه‌دستی زبان ملی ایران چه عمق و گستره‌ای دارد؟
۳. هدف‌های برنامه‌دستی زبان ملی ایران در دوره ابتدایی به لحاظ توجه به عمق و گستره آموزش مهارت سخن گفتن چه نقاط قوت و ضعفی دارد؟

پیش از هر چیز ذکر این نکته ضروری است که منظور از «عمق» در این جا تعداد مؤلفه‌های در نظر گرفته‌شده برای آموزش مهارت سخن گفتن و منظور از «گستره» چگونگی توزیع آموزش این مهارت و مؤلفه‌های آن در دوره‌های مختلف تحصیلی است.

در ادامه مقاله ابتدا روش پژوهش برای پاسخ به پرسش‌های پژوهش مطرح می‌شود. به منظور پاسخ به پرسش اول، نخست هدف‌های آموزشی و مؤلفه‌های مهارت سخن گفتن در دوره ابتدایی در کشورهای آمریکا (ایالت نیوجرسی)، انگلستان و سنگاپور ارائه می‌شود تا معلوم شود در چارچوب این برنامه‌های درسی مهارت سخن گفتن در قالب چه مؤلفه‌هایی تعریف می‌شود و از طرفی، چگونه آموزش مؤلفه‌های یادشده در پایه‌های مربوط به این سطح تحصیلی توزیع شده‌است. در ادامه، با توجه به وجوه شباهت این برنامه‌های درسی به یکدیگر و نیز نکاتی که پیشتر درباره مهارت سخن گفتن مطرح شد، شاخص عمق و نیز شاخص گستره آموزش این مهارت زبانی در دوره ابتدایی به دست داده می‌شود. به این ترتیب، چارچوبی به دست می‌آید که بر اساس آن بتوان هدف‌های آموزشی و مؤلفه‌های مهارت سخن گفتن در برنامه‌دستی زبان فارسی ایران را تحلیل کرد. به منظور پاسخ به پرسش دوم پژوهش، هدف‌های آموزشی و مؤلفه‌های مهارت سخن گفتن در برنامه‌دستی زبان فارسی ایران در دوره ابتدایی مطرح می‌شوند، و به پرسش آخر نیز با تحلیل برنامه‌دستی زبان فارسی ایران در دوره ابتدایی پاسخ داده می‌شود.

روش پژوهش

پژوهش حاضر براساس اهداف آن بنیادی-کاربردی و بر اساس طرح پژوهش از نوع تحلیل کیفی محتواست. جامعه آماری تحقیق حاضر را برنامه درسی زبان ملی در دوره ابتدایی تشکیل می‌دهد. نمونه آماری شامل برنامه درسی زبان ملی آمریکا (ایالت نیوجرسی، ۲۰۰۴)، انگلستان (۲۰۰۷)، سنگاپور (۲۰۰۶) و راهنمای برنامه درسی زبان فارسی در دوره ابتدایی (ویراست ۱۳۸۸) است که از طریق مطالعه و بررسی کتابخانه‌ای و اینترنتی جمع‌آوری شده و با ملاک‌های از پیش تعیین‌شده انتخاب شده‌اند. انتخاب برنامه درسی کشورهای یادشده به این دلیل بود که این کشورها در رقابت‌های بین‌المللی سواد حائز رتبه خوبی گردیده‌اند^۲ (برای اطلاعات بیشتر در این باره به مولیس، مارتین و گونزالز^۳ (۲۰۰۴) نگاه کنید).

در ادامه مقاله، هدف‌های آموزشی و مؤلفه‌های مهارت سخن‌گفتن در آمریکا (ایالت نیوجرسی، ۲۰۰۴)، انگلستان (۲۰۰۷)، سنگاپور (۲۰۰۶) ارائه می‌شود. به این ترتیب، چارچوبی به دست می‌آید که براساس آن بتوان هدف‌های آموزشی و مؤلفه‌های مهارت سخن‌گفتن را در چارچوب برنامه درسی زبان فارسی ایران تحلیل کرد.

برنامه درسی زبان ملی آمریکا (ایالت نیوجرسی، ۲۰۰۴)

در برنامه درسی زبان ملی آمریکا (۲۰۰۴)، به نقل از دانای طوسی، ۱۳۸۹، صص ۳۳۲-۳۳۴) هدف‌های آموزش مهارت سخن‌گفتن به صورت مجزا برای پایه‌های پیش‌دبستانی تا هشتم و نیز به صورت یک مجموعه برای پایه‌های نهم تا دوازدهم به دست داده می‌شود. به طور کلی هدف از آموزش مهارت سخن‌گفتن آن است که همه دانش‌آموزان بتوانند به زبانی شفاف، دقیق و سازمان‌یافته سخن بگویند به طوری که محتوا و صورت آن بسته به مخاطب و منظور فرد از نگارش مطلب متفاوت باشد.

مهارت سخن‌گفتن در ایالت نیوجرسی آمریکا در قالب ۴ مؤلفه آموزش داده می‌شود:

الف. بحث و گفت‌وگو

ب. سؤال پرسیدن و شرکت در بحث و گفت‌وگو

ج. انتخاب واژگان

د. ارائه شفاهی

در ادامه، هدف‌های آموزش مهارت سخن‌گفتن تا پایان پایه پنجم (معادل پایان دوره ابتدایی

ایران) توصیف می‌شود.

هدف‌ها تا پایان پایه پنجم

الف. درباره بحث و گفت‌وگو (گروه‌های کوچک و همه کلاس) یاد می‌گیرند که:
- از جزئیات، مثال و دلیل برای حمایت از ایده اصلی یا توضیح درباره زاویه دید خود استفاده کنند.

- روی یک موضوع تمرکز نموده و سؤالات مرتبط مطرح کنند؛
- نظرات دیگران را پذیرفته و پاسخ مناسبی را ارائه کنند؛
- به صورت شفاهی به ادبیات واکنش نشان دهند؛
- در بحث‌های کلاسی به طور شایسته‌ای شرکت کنند.

ب. درباره سوال پرسیدن (تحقیق) و شرکت در بحث یاد می‌گیرند که:

- با مطرح کردن سؤالات و نقطه‌نظرات خود، شفاهی پاسخ دهند و همزمان دانش خود را تکمیل کنند؛

- از فنون مصاحبه برای ایجاد مهارت‌های خود در تحقیق استفاده کنند؛
- با توصیف، شرح، یا توضیح این‌که چگونه و چرا وقایع اتفاق می‌افتند، مفاهیم را با دقت مورد بررسی قرار دهند؛

- درباره اطلاعاتی که دریافت می‌کنند بحث و گفت‌وگو کنند، نظرات شخصی خود را ارائه دهند و خواستار توضیحات کلی برای روشن شدن معنا شوند؛
- درباره اطلاعاتی که در نتیجه پرسش و تحقیق به دست آورده‌اند، فکر کنند و آنها را ارزیابی نمایند؛

- از طریق مشارکت گروهی به حل یک مسئله پرداخته یا متوجه معنی یک فعالیت کلاسی شوند.

ج. درباره انتخاب واژگان یاد می‌گیرند که:

- با استفاده از واژه‌های متقاعدکننده در صحنه‌های کوتاهی که شامل موقعیت‌ها یا احساسات آشنا است ایفای نقش کنند؛

- از واژگان مختلف برای توضیح، بیان، و شرح مبسوط مطالب استفاده کنند؛
- به هنگام سخن گفتن از زبان مجازی به صورت هدفمند بهره بگیرند؛
- واژگان را متناسب با مخاطبان گوناگون انتخاب و از آنها استفاده کنند.

د. دربارهٔ ارائهٔ شفاهی یاد می‌گیرند که:

- یک سخنرانی رسمی را براساس مضمون اصلی و با در نظر گرفتن توالی منطقی، مقدمه، ایدهٔ اصلی، جزئیات تأییدکننده و اظهارات پایانی، برای مخاطبانی نظیر گروه همسالان، دانش‌آموزان کوچک‌تر و یا اولیا آماده نموده و ارائه کنند؛
- یک سخنرانی رسمی را با رعایت ترتیب منطقی یا پشت سرهم آوردن وقایع و با آوردن بخش آغازین، جزئیات تأییدکننده و عبارت پایانی آماده سازند، آن را تمرین نمایند و در نهایت ارائه کنند؛
- از زبانی روشن، دقیق و ساماندهی شده استفاده کنند که قراردادهای زبان انگلیسی گفتاری را منعکس می‌کند؛
- از ابزارهای دیداری، مثل نمودارها یا جداول به منظور توضیح بیشتر به هنگام ارائه یا سخنرانی استفاده کنند؛
- به هنگام سخن گفتن از تریبون به صورت مؤثری استفاده کنند.
- در سخنرانی‌های رسمی با استفاده مناسب از بلندی صدا، سرعت گفتار و تلفظ واضح، توجه مخاطب را به سخنان خود جلب کنند؛
- از عناصر زبانی و غیرزبانی (مثل تماس چشمی، طرز قرارگیری بدن) برای جلب توجه مخاطب استفاده کنند؛
- متون را بلند و روان بخوانند؛
- معیارهای سخنرانی خوب را بشناسند و از آنها برای بهبود ارائهٔ شفاهی خود بهره بگیرند؛
- از بازخورد همسالان و پیشنهادهای معلم برای تجدید نظر دربارهٔ محتوا، سازماندهی و بیان شفاهی خود بهره بگیرند.

برنامهٔ درسی زبان ملی انگلستان (۲۰۰۷)

برنامهٔ درسی زبان ملی انگلستان (۲۰۰۷)، به نقل از دانای طوسی، ۱۳۸۹، صص ۳۴۲-۳۴۴ در چهار سطح کلیدی تنظیم شده است: سطح کلیدی ۱ برای دانش‌آموزان ۷-۵ سال (پایه‌های اول و دوم)، سطح کلیدی ۲ برای دانش‌آموزان ۱۱-۷ سال (پایه‌های سوم تا ششم)، سطح کلیدی ۳ برای دانش‌آموزان ۱۴-۱۱ سال (پایه‌های هفتم تا نهم)، سطح کلیدی ۴ برای دانش‌آموزان ۱۶-۱۴ سال (پایه‌های دهم تا یازدهم). از آنجا که سطوح کلیدی ۱ و ۲ معادل دورهٔ ابتدایی ایران است، هدف‌های آموزش سخن گفتن در این سطوح مطرح می‌شود.

دانش، مهارت‌ها و شناخت لازم برای یادگیری سخن گفتن در سطوح کلیدی ۱ و ۲ در قالب پنج مؤلفه آموزش داده می‌شود که عبارتند از: سخن گفتن، بحث گروهی و تعامل، نمایش‌نامه، زبان انگلیسی معیار و تنوعات زبانی.

دانش‌آموزان در جریان سطح کلیدی ۱ یاد می‌گیرند که با اعتماد به نفس سخن بگویند. در سطح کلیدی ۲، دانش‌آموزان یاد می‌گیرند که نحوه سخن گفتن خود را متناسب با موقعیت‌ها، اهداف و مخاطبان متفاوت تغییر دهند. آنان یاد می‌گیرند که چگونه در موقعیت‌های مختلف، با تنظیم گفتار و چگونگی بیان آن متناسب با هدف و مخاطب مورد نظر صحبت کنند. ایفای نقش‌های گوناگون در گروه‌ها به آنها فرصت حضور و مشارکت در موقعیت‌هایی با شرایط متفاوت را می‌دهد. آنها همچنین می‌آموزند که با تفکر درباره گفته‌ها و زبان بیان آنها، به طرز مناسبی به دیگران پاسخ داده و واکنش نشان دهند.

در ادامه، توضیح می‌دهیم که دانش‌آموزان انگلیسی تا پایان سطح کلیدی ۲ (معادل پایان دوره ابتدایی ایران) درباره هر کدام از مؤلفه‌های مهارت سخن گفتن چه مواردی را می‌آموزند.

الف. درباره سخن گفتن با اعتماد به نفس، در موقعیت‌های گوناگون، دانش‌آموزان یاد می‌گیرند که از واژگان و نحو به گونه‌ای استفاده کنند که به آنها امکان بیان معانی پیچیده‌تری را بدهد. آنان یاد می‌گیرند که توجه و واکنش مخاطبان مختلف را جلب و حفظ کنند (مثلاً با اغراق، شوخ‌طبعی، تغییر سرعت کلام و استفاده از زبان متقاعدکننده برای نیل به تأثیرهای خاص)؛ مطالبی را انتخاب کنند که مرتبط به موضوع است؛ مطالب مورد نظر خود را با یک مقدمه و نتیجه به صورت شفاف سازماندهی کرده و ارائه دهند؛ و با استفاده از زبان انگلیسی معیار گفتاری در موقعیت‌های رسمی، رسا و واضح صحبت کنند. در نهایت، آنان یاد می‌گیرند که گفتار خود را ارزیابی کرده و درباره تنوعات آن فکر کنند. از طرفی، دانش‌آموزان از طریق فعالیت‌های زیر سخن گفتن را می‌آموزند:

بلندخوانی، سخنرانی برای مخاطبان گوناگون، سخنرانی طولانی به منظوره‌های مختلف.

ب. درباره بحث و تعامل گروهی، دانش‌آموزان یاد می‌گیرند که، با رعایت نوبت، در بحث درباره موضوع مورد نظر شرکت کنند؛ با در نظر گرفتن فعالیت و هدف مورد نظر در بحث‌ها شرکت کنند، از جمله این که به هنگام گردآوری ایده‌ها به صورت آزمایشی و محتاطانه اظهارنظر کنند و به هنگام رسیدن بحث به نتیجه یا عمل به صورتی ارزیابانه و مستدل نظر بدهند؛ بعد از گوش دادن به سؤالات یا گفته‌های دیگران، افکار خود را تعدیل کرده یا آن را موجه جلوه دهند؛

با نظرات مخالف مؤدبانه برخورد کنند و این امکان را فراهم آورند که بحث ادامه یابد؛ نقش‌های مختلف مثل ریاست، منشی‌گری و سخن‌گویی را در گفتار ایفا کرده، آنها را حفظ کرده و به تناسب موقعیت تغییر دهند؛ از روش‌های مختلف مثل خلاصه کردن نکات اصلی، مرور گفته‌ها، شفاف‌سازی مطالب نسبتاً مبهم و پیش‌بینی پیامد گفته‌ها برای پیشبرد سخن خود استفاده کنند. از طرفی، دانش‌آموزان از طریق فعالیت‌های زیر بحث و تعامل گروهی را می‌آموزند: تحقیق و بررسی، انتخاب مطالب و دسته‌بندی، برنامه‌ریزی، پیش‌بینی، توضیح‌دادن، گزارش و ارزیابی.

ج. دربارهٔ فعالیت‌های نمایشی، دانش‌آموزان یاد می‌گیرند که در فعالیت‌های مختلف نمایشی شرکت کنند و سهم خود و دیگران را ارزیابی کنند. در این باره آنان می‌آموزند که به صورت انفرادی و گروهی نقش‌های مختلفی را خلق کرده و خود را با آنها وفق دهند؛ در نمایش‌نامه‌هایی که خود خلق کرده و می‌نویسند برای انتقال داستان، موضوع، احساسات و ایده‌های موجود در آنها از شخصیت‌ها، حرکات و رفتار آنها و هنر داستان‌سرایی استفاده کنند؛ برای تشریح شخصیت‌ها و مسائل از فنون نمایشی استفاده کنند و سهم خود و دیگران را در اثربخشی کلی اجراها ارزیابی کنند. از طرفی، دانش‌آموزان از طریق مواردی چون: بداهه‌گویی و نقش بازی کردن، نوشتن و اجرای نمایش‌نامه‌ها و واکنش نسبت به اجراهای مختلف زیر فعالیت‌های نمایشی را می‌آموزند

د. دربارهٔ زبان انگلیسی معیار، دانش‌آموزان آن دسته از ساختارهای دستوری را که ویژهٔ زبان انگلیسی معیار گفتاری است یاد گرفته و این دانش را به طرز مناسبی در موقعیت‌های گوناگون به‌کار می‌برند. از طرفی، به هنگام آموختن زبان انگلیسی معیار، دانش‌آموزان یاد می‌گیرند که شایع‌ترین کاربردهای غیرمعیار زبان انگلیسی را به خاطر بسپارند: مطابقت فاعل و فعل (they was)، ساخت زمان گذشته (have fell , I done)، ساخت منفی (ain't)، ساخت قیدها (come quick)، استفاده از ضمائر اشاره (them books).

ه. دربارهٔ تنوعات زبانی، دانش‌آموزان باید بیاموزند که: ۱. بر اساس موقعیت و هدف، از زبان متنوع استفاده کنند (مثلاً انتخاب واژگان در موقعیت‌های رسمی)؛ ۲. بین صورت‌های معیار و محلی زبان تمایز قائل شوند؛ ۳. بین صورت‌های گفتاری و نوشتاری زبان تمایز قائل شوند (مثلاً تفاوت‌های بین گفتار مستقیم و گفتار نقل‌شده).

برنامه‌دستی زبان ملی سنگاپور (۲۰۰۶)

در چارچوب برنامه‌دستی زبان ملی سنگاپور (۲۰۰۶، صص ۱۱-۴۷) مؤلفه‌دستی خاصی برای آموزش مهارت سخن گفتن مطرح نمی‌شود.

دانش‌آموزان سنگاپوری یاد می‌گیرند که :

الف. درباره‌دستی موضوعات مختلف به طرز روان و مؤثر سخن بگویند؛

ب. مطالب موردنظر خود را برای نیل به هدف‌های مختلف و برای مخاطبان مختلف در قالب گفتار ارائه کرده و بسط دهند؛

ج. با افرادی از فرهنگ (مذهب) خود یا فرهنگ‌های (مذهب‌های) متفاوت به طرز مؤثر ارتباط برقرار کنند.

در ادامه، هدف‌های آموزش مهارت سخن گفتن تا پایان دوره‌دستی ابتدایی (معادل پایان دوره‌دستی ابتدایی ایران) توصیف می‌شود.

هدف‌های آموزشی مربوط به مهارت سخن گفتن تا پایان دوره‌دستی ابتدایی

دانش‌آموزان یاد می‌گیرند که :

الف. درباره‌دستی موضوعات مختلف به طرز روان و مؤثر سخن بگویند. در راستای نیل به این هدف باید:

- از الگوهای تکیه و ریتم زبان انگلیسی به طرز مناسبی استفاده کنند؛
- از تلفظی که در سطح بین‌المللی قابل قبول است استفاده کنند؛
- از سبک و سیاق مناسب استفاده کنند (رسمی و غیررسمی)؛
- در مواقع مورد نیاز زیروبمی، نواخت، سرعت و بلندی صدا را تغییر بدهند؛
- از دستور متناسب با گفتار و واژگان متناسب با موضوع استفاده کنند؛
- سرنخ‌های کلامی و غیرکلامی را درک کرده و به طرز مناسبی آنها را به کار ببرند.

ب. مطالب موردنظر خود را برای نیل به هدف‌های مختلف و برای مخاطبان مختلف در قالب گفتار ارائه کرده و بسط دهند. در راستای این هدف دانش‌آموزان یاد می‌گیرند:

- با راهنمایی معلم درباره‌دستی موضوعات آشنا سخنرانی‌های ساده‌ای را برنامه‌ریزی نموده و سازماندهی کنند؛

- به هنگام سخن گفتن با راهنمایی معلم بر نکات خاصی تمرکز کنند؛

- با استفاده از منابع شفاهی/دیداری و نوشتاری از ایده‌های مطرح شده حمایت کنند؛
- برای تضمین رسایی صدا و قابلیت مشاهده به ارائه شفاهی/ ازبرخوانی همسالان خود با دقت توجه کنند.

ج. با افرادی از فرهنگ (مذهب) خود یا فرهنگ‌های (مذهب‌های) متفاوت به طرز مؤثر ارتباط برقرار کنند. در راستای نیل به این هدف دانش‌آموزان باید دو دسته فعالیت انجام دهند:

۱. فعالیت دسته اول

- از زبان، لحن خطاب و واژگان مناسب استفاده کنند؛
- افراد آشنا را متناسب با سن، جنسیت و جایگاه اجتماعی آنها مورد خطاب قرار داده و با آنها روبه‌رو شوند؛
- درباره مردم، مکان‌ها و اشیاء سؤال مطرح کرده یا گفتگو کنند؛
- اجازه بگیرند؛
- سپاسگزاری کرده و آرزوهای خوب را بیان کنند؛
- درباره خود، خانواده و جامعه اطلاعاتی به دست بدهند؛
- درباره ی نحوه انجام کارها آموزش بدهند؛
- افراد را دعوت کنند؛
- پیام بگذارند؛
- تقاضا کنند، کندوکاو کنند؛
- توضیح بدهند که چگونه و چرا چیزی روی می‌دهد؛
- عقیده، نارضایتی و احترام را بیان کنند.

۲. فعالیت دسته دوم

- در بحث‌ها شرکت کنند؛
- کمک‌های دیگران را بپذیرند؛
- در زمان مناسب موافقت یا مخالفت خود را اعلام کنند؛
- با در نظر گرفتن هنجارهای اجتماعی و ارزش‌های فرهنگی به طرز مناسبی به گفته‌های دیگران واکنش نشان بدهند (پاسخ بدهند)؛

- به نوبت سخن بگویند؛
- از ایده‌ها و عقاید مطرح شده با ارائه دلیل حمایت کنند؛
- سرنخ‌های کلامی و غیرکلامی را درک کرده و آنها را به طرز مناسبی مورد استفاده قرار بدهند.

شباهت‌های میان اهداف و مؤلفه‌های آموزش مهارت سخن گفتن در برنامه‌دستی زبان ملی کشورهای یادشده

شباهت کلی برنامه‌دستی زبان ملی کشورهای یادشده (امریکا، انگلیس، سنگاپور) به لحاظ هدف آموزش سخن گفتن آن است که در چارچوب هر سه برنامه:

اولاً؛ قرار است دانش‌آموزان یاد بگیرند به صورت هدفمند در موقعیت‌های مختلف سخن بگویند.

ثانیاً؛ این هدف کلی به اهداف ریزتری خرد شده و در تمام دوران آموزش مدرسه‌ای به صورتی منسجم و هماهنگ از ساده به پیچیده-متناسب با سطح رشد و توان ذهنی دانش‌آموزان-دنبال می‌شود.

ثالثاً؛ در این برنامه‌های درسی راهکارهای عملی برای نیل به هدف‌های آموزشی در کلاس درس به روشنی بیان شده است. به بیان دیگر، در چارچوب این برنامه‌های درسی انواع فعالیت‌های آموزشی که از طریق آنها دانش‌آموزان دانش، مهارت‌ها و شناخت لازم را در مهارت سخن گفتن کسب می‌کنند به تفصیل برای پایه‌های مختلف تحصیلی ارائه می‌شود.

رابعاً؛ آموزش هر دو نوع سخن گفتن (سخن گفتن در موقعیت‌های رسمی و غیررسمی) مورد نظر است. به عبارت دیگر در این کشورها سخن گفتن به صورتی متناسب با بافت موقعیت آموزش داده می‌شود. مثلاً، دانش‌آموزان یاد می‌گیرند که واژگان متناسب با مخاطبان گوناگون را انتخاب کرده و استفاده کنند، واژه‌های چندمعنایی را در بافت زبانی مناسب به‌کاربرند، یا با توجه به بازخوردهایی که از مخاطبان می‌گیرند برای افزایش شفافیت معنایی و تأثیرگذاری تغییراتی در گفتار خود ایجاد کنند.

خامساً؛ آموزش سخن گفتن به صورت انتقادی انجام می‌شود. مثلاً دانش‌آموزان یاد می‌گیرند که تأثیر صورت‌ها و گونه‌های مختلف متون را بر روی محتوا و هدف متن ارزیابی کنند، با بحث در قالب گروه‌های کوچک و بزرگ، موضعی را حمایت، تعدیل یا رد کنند یا سؤال‌های مخاطب را با ارائه توضیح، مثال، تعریف و توضیح پاسخ دهند.

سادساً؛ آموزش سخن گفتن در چارچوب برنامه‌دستی زبان ملی کشورهای مورد بحث با کمک فناوری اطلاعات و ارتباطات انجام می‌شود. مثلاً دانش‌آموزان یاد می‌گیرند که متناسب با مخاطب و

هدف خود صورت‌های گفتاری متفاوتی (مانند داستان، گزارش، و ...) را تولید کنند و به هنگام ارائه شفاهی به صورتی هدفمند از فناوری اطلاعات و ارتباطات به طرز مناسبی استفاده کنند.

شاخص‌های عمق و گستره آموزش سخن گفتن در برنامه درسی زبان ملی

با توجه به مباحث مطرح شده درباره فرایند سخن گفتن و نیز با نگاهی به چگونگی آموزش این مهارت زبانی در کشورهای آمریکا (ایالت نیوجرسی، ۲۰۰۴)، انگلستان (۲۰۰۷) و سنگاپور (۲۰۰۶) می‌توان گفت که، سخن گفتن صورت آکادمیک صحبت کردن است و شامل گفتار غیررسمی خودانگیخته و گفتار رسمی است. به هنگام سخن گفتن در موقعیت‌های رسمی، دانستن قراردادهای زبان معیار گفتاری و نیز رفتارهای مربوط به ارائه رسمی مانند مکان ایستادن، وضعیت بدن در هنگام ایستادن^۳ و تنظیم میزان بلندی صدا ضروری است (فن سخن گفتن). از طرفی، فرایند سخن گفتن در محیط‌های آکادمیک با سازماندهی و مدیریت مطالب موردنظر گوینده نیز ارتباط دارد (سازماندهی متن شفاهی). گذشته از اینها، به هنگام ارائه شفاهی باید به مخاطبان و واکنش‌های آنان توجه داشت تا بتوان با آنها ارتباط برقرار کرد (سخن گفتن انتقادی). این فعالیت مشتمل بر فرایندهای رمزگذاری واره‌های شفاهی و تولید متن شفاهی است. رمزگذاری واره‌های شفاهی به صورت خودکار انجام می‌شود ولی تولید متن شفاهی مستلزم آموزش آگاهانه است. با توجه به توضیحات مطرح شده، شاخص‌های عمق و گستره آموزش این مهارت در دوره ابتدایی در قالب جداول ۱ و ۲ به شرح زیر ارائه می‌شوند:

الف. رمزگذاری واره‌های شفاهی (نیازی به آموزش رسمی نیست)

ب. تولید متن شفاهی

- سخن گفتن بافت مدار (رسمی و غیررسمی)

- راهبردهای سخن گفتن

فن سخن گفتن

سازماندهی متن شفاهی

- سخن گفتن انتقادی

جدول ۱- شاخص عمق آموزش سخن گفتن در برنامه درسی زبان ملی برای دوره ابتدایی

تولید متن شفاهی

- سخن گفتن بافت مدار (رسمی و غیررسمی) دانش‌آموزان یاد می‌گیرند که:
- تنوعات گفتاری مورد استفاده در خانه، محیط بازی و کلاس را بشناسند؛
- به تغییر گفتار در شرایط مختلف (مثلاً در موقعیت‌های رسمی) توجه کنند؛
- متناسب با مخاطب (شنونده) لحن گفتار خود را تغییر دهند؛ برای مثال در گفتار خود به هنگام سخن گفتن با افراد آشنا و نیز افراد ناشناس تغییر ایجاد کنند؛
- به تدریج با زبان فنی مربوط به زمینه‌های مختلف علمی آشنا شوند تا به این وسیله بتوانند درباره‌ی دانش و اطلاعات خود صحبت کنند؛
- در موقعیت‌های سخن گفتن از زبان مجازی به صورت هدفمند بهره بگیرند؛
- واژگان را متناسب با مخاطب انتخاب کرده و استفاده کنند؛
- با توجه به بافت موقعیت، واژه‌ها را در معنای درست آنها به کار ببرند؛
- متناسب با مخاطبان و اهداف مختلف صورت‌های مختلفی از گفتن، همچون داستان‌های خبری، مصاحبه‌ها، گزارش‌ها و... را تولید کنند؛
- از تجربیات شنیداری، خواندن و مشاهده کردن به عنوان مدل‌هایی برای سازماندهی افکار خود به هنگام ارائه‌ی شفاهی استفاده کنند؛
- به هنگام برقراری ارتباط گفتاری زبانی را انتخاب و استفاده کنند که صورت و لحن آن متناسب با افراد و رویدادها باشد؛
- زبان خود را بر اساس موقعیت و هدف تغییر دهند؛ مثلاً انتخاب واژگان در موقعیت‌های رسمی؛
- تمایز بین صورت‌های معیار و محلی زبان را تشخیص بدهند؛
- تمایز بین صورت‌های گفتاری و نوشتاری زبان، مثلاً تفاوت‌های میان گفتار آوانویسی شده، گفتار مستقیم و گفتار نقل شده را درک کنند؛
- علاوه بر مشارکت فعال در فعالیت‌های شفاهی غیررسمی، در فعالیت‌هایی مانند بحث‌های گروهی کوچک، گزارش‌دهی رسمی، ارائه‌ی شفاهی و نمایشی فی‌البداهه نیز شرکت کنند.

راهبردهای سخن گفتن (فن سخن گفتن)

دانش‌آموزان یاد می‌گیرند که:

- برای بیان افکار و احساسات خود از زبان و حالت‌های صورت استفاده کنند؛
- به هنگام سخن گفتن از تریبون به صورت مؤثری استفاده کنند؛
- از عناصر زبانی و غیرزبانی، مثل تماس چشمی، طرز قرارگیری بدن، برای جلب توجه مخاطب استفاده کنند؛
- فضای ارائه خود را طوری ترتیب دهند که توجه مخاطب را جلب کند؛
- با طرز بیان و آهنگ مناسب صحبت کنند؛
- در موقعیت‌های رسمی با استفاده مناسب از بلندی صدا، سرعت گفتار و تلفظ واضح توجه مخاطب را به سخنان خود جلب کنند؛
- به صورت فردی و در تعامل با دیگران به آفرینش و حفظ نقش‌ها پردازند؛
- با برخی از مختصه‌های اصلی زبان معیار گفتاری آشنا شده و کاربرد آنها را بیاموزند؛
- با استفاده از زبان معیار گفتاری در موقعیت‌های رسمی به صورت رسا و واضح صحبت کنند؛
- از مختصه‌های زبان شفاهی برای خلق معنا و اثرگذاری بر مخاطب استفاده کنند؛
- شایع‌ترین کاربردهای غیرمعیار در زبان معیار گفتاری را بیاموزند؛
- از زبانی روشن، دقیق و سازماندهی شده استفاده کنند که قراردادهای زبان معیار گفتاری را منعکس می‌کند؛
- از واژه‌های پربسامد، موضوعی و واژه‌های قاموسی برای انتقال مطالب مدنظر خود استفاده کنند؛
- به هنگام ارائه سخنرانی از ابزارهای دیداری مثل نمودارها یا جداول به منظور توضیح بیشتر بهره ببرند؛
- توجه مخاطبان مختلف را جلب نموده و آن را حفظ کنند مثلاً با اغراق، شوخ‌طبعی، تغییر سرعت گفتار و استفاده از زبان متقاعدکننده برای نیل به منظورهای خاص؛
- از طریق ارائه سخنرانی‌های کوتاه، آوازخوانی به صورت گروه‌گر، ایفای نقش در نمایش‌ها و از طریق مشارکت در گردهمایی‌ها اعتماد به نفس لازم را برای ارائه شفاهی (سخنرانی) در موقعیت‌های رسمی کسب کنند؛
- با هدف‌گذاری و در نظر گرفتن مخاطب برای سخنرانی (ارائه شفاهی) خود برنامه‌ریزی کنند؛
- به هنگام نیاز فنون مصاحبه را به‌کارگیرند؛

- صورت‌های مطلوب بیان را در موقعیت‌های مختلف شناسایی کرده و به کار ببرند.

سازماندهی متن شفاهی

دانش‌آموزان یاد می‌گیرند که:

- کلمات را با دقت انتخاب کنند؛
 - آنچه را که قصد دارند بگویند سازماندهی کنند؛
 - بر نکات اصلی تمرکز کنند ولی جزئیات مربوط را نیز بیان کنند؛
 - از جزئیات، مثال و دلیل برای حمایت از ایده اصلی یا توضیح درباره زاویه دید خود استفاده کنند؛
 - نیازهای مخاطبان (شنوندگان) خود را مدنظر قرار دهند؛
 - نوبتی صحبت کنند و صحبت‌های آنها در راستای آن چیزی باشد که پیشتر گفته شد؛
 - از واژگان مختلف برای توضیح، بیان و شرح مبسوط مطالب استفاده کنند؛
 - یک سخنرانی رسمی را با رعایت ترتیب منطقی یا پشت سرهم آوردن وقایع و با آوردن بخش آغازین، جزئیات تأییدکننده و عبارت پایانی آماده کرده، آن را تمرین نموده و در نهایت برای مخاطبانی نظیر گروه همسالان، دانش‌آموزان کوچک‌تر و یا اولیای خود ارائه کنند؛
 - مطالبی را برای سخن گفتن انتخاب کنند که مرتبط به موضوع و شنوندگان است؛
 - مطالب را با سازماندهی شفاف و در قالب یک مقدمه و نتیجه ارائه دهند؛
 - در ارتباط با موضوع مورد بحث و با رعایت نوبت در بحث‌ها شرکت کنند؛
 - از روش‌های مختلفی برای پیشبرد گروه استفاده کنند، از جمله خلاصه کردن نکات اصلی، مرور آنچه گفته شده، شفاف‌سازی مطالب و پیش‌بینی پیامد گفته‌ها؛
 - مطالبی را درباره موضوعات مختلف تدوین کرده و درباره آنها سخن بگویند؛
 - از اطلاعات مربوط به ترتیب واژه‌ها و جمله‌ها برای انتقال معنا در متون ساده استفاده کنند؛
 - ایده‌ها و اطلاعات مختلف را در ادامه یکدیگر ارائه دهند؛
 - از جملات ساده استفاده کنند و به تدریج به سوی استفاده از جملات مرکب و پیچیده بروند.
- سخن گفتن انتقادی
- دانش‌آموزان یاد می‌گیرند که:
- درباره نمایشی که تماشا کرده‌اند یا در آن شرکت داشته‌اند نظری سازنده ارائه دهند؛
 - به صورت شفاهی نظر خود را درباره متن ادبی که خوانده‌اند بیان کنند؛

- درباره اطلاعاتی که می‌شنوند بحث و گفت‌وگو کنند، نظرات شخصی خود را ارائه داده و خواستار توضیحات کلی برای روشن شدن معنا شوند؛
- دستورالعمل سخنرانی را آموخته و از آن برای بهبود ارائه‌ی شفاهی خود بهره بگیرند؛
- از بازخورد همسالان و پیشنهادهای معلم برای تجدید نظر درباره محتوا، سازماندهی مطالب و نیز شیوه ارائه خود بهره بگیرند؛
- الگوهای واژگانی و جملات را برای بیان روشن مطالب آزمایش کنند؛
- گفتار خود را ارزیابی کرده و درباره تنوعات آن فکر کنند؛
- سهم خود و دیگران را در اثربخشی اجراهای نمایشی ارزیابی کنند؛
- با نظرات مخالف مؤدبانه برخورد کنند و این امکان را فراهم آورند که بحث ادامه یابد.

جدول ۲. شاخص‌های گستره آموزش مهارت سخن گفتن در برنامه درسی زبان ملی برای دوره ابتدایی

- در ادامه این مقاله پاسخ به پرسش‌های دوم و سوم پژوهش مطرح می‌شود. برای یادآوری، صورت پرسش‌های یاد شده را مجدداً مطرح می‌کنیم:
- آموزش مهارت سخن گفتن و مؤلفه‌های آن در برنامه درسی زبان ملی ایران برای دوره ابتدایی چه عمق و گستره‌ای دارد؟
- هدف‌های برنامه درسی زبان ملی ایران برای دوره ابتدایی، به لحاظ توجه به آموزش مهارت سخن گفتن و مؤلفه‌های آن، چه نقاط قوت و ضعفی دارد؟

عمق و گستره آموزش مهارت سخن گفتن در چارچوب راهنمای برنامه درسی زبان فارسی برای دوره ابتدایی (ویراست ۱۳۸۸)

در چارچوب راهنمای برنامه درسی زبان فارسی ایران برای دوره ابتدایی (ویراست ۱۳۸۸) تعریف مشخصی برای سخن گفتن ارائه نشده است، بنابراین نمی‌توان مستقیماً به مؤلفه‌های آموزش این مهارت زبانی در این برنامه درسی دست یافت. اما با نگاهی به هدف‌های آموزش مهارت سخن گفتن در راهنمای یادشده می‌توان به مؤلفه‌های آموزش این مهارت زبانی (عمق آموزش سخن گفتن) در چارچوب این برنامه درسی دست یافت. همچنین، می‌توان مشخص کرد که تا چه اندازه آموزش آنها در دوره ابتدایی توزیع شده است (گستره آموزش سخن گفتن). در ادامه، هدف‌های آموزش مهارت یادشده در راهنمای برنامه درسی زبان فارسی برای دوره

ابتدایی در قالب جدول ۳ مطرح می‌شود و عمق و گستره آموزش سخن گفتن در چارچوب این برنامه‌درسی با توجه به شاخص‌های مطرح شده برای آموزش این مهارت زبانی تبیین می‌شود (پاسخ به پرسش دوم پژوهش حاضر). در قسمت بعد، نقاط قوت و ضعف آموزش سخن گفتن در چارچوب راهنمای برنامه‌درسی زبان فارسی ایران برای دوره‌ی ابتدایی به لحاظ میزان توجه به عمق و گستره آموزش این مهارت زبانی تشریح می‌شود (پاسخ به پرسش سوم این پژوهش).

هدف شناختی

آشنایی با زبان گفتار

هدف‌های عاطفی (نگرشی)

- بیان احساسات، عواطف و افکار در قالب گفتار
- جنبه‌های زیبایی سخن و تحسین آن

هدف‌های مهارتی

- به‌کارگیری اندیشه قبل از سخن گفتن
- به‌کارگیری زبان مناسب برای مخاطبان
- توانایی سخن گفتن در برابر جمع
- به‌کارگیری کارافزارهای مناسب ارتباطی در رساندن پیام
- توانایی شرکت در بحث و گفت‌وگوها

جدول ۳. اهداف آموزش سخن گفتن در راهنمای برنامه‌درسی فارسی در دوره‌ی ابتدایی (ویراست ۱۳۸۸)

با توجه به جداول شاخص عمق و گستره آموزش مهارت سخن گفتن که در همین مقاله شرح آن گذشت، عمق و گستره آموزش این مهارت زبانی در چارچوب راهنمای برنامه‌درسی موجود زبان فارسی برای دوره‌ی ابتدایی به شرح زیر در قالب جداول ۴ و ۵ ارائه می‌شود:

تولید متن شفاهی

- الف. سخن گفتن بافت‌مدار (رسمی و غیررسمی): به صراحت مطرح نمی‌شود.
- ب. راهبردهای سخن گفتن:
 - فن سخن گفتن، مطرح نمی‌شود.
 - سازماندهی متن شفاهی، مطرح نمی‌شود.
- ج. سخن گفتن انتقادی: به صراحت مطرح نمی‌شود.

جدول ۴. عمق آموزش سخن گفتن در راهنمای برنامه درسی زبان فارسی ایران برای دوره ابتدایی (ویراست ۱۳۸۸)

تولید متن شفاهی

- الف. سخن گفتن بافت‌مدار (رسمی و غیررسمی)
 - به‌کارگیری زبان مناسب برای مخاطبان
 - توانایی شرکت در بحث و گفت‌وگوها
- ب. راهبردهای سخن گفتن
 - فن سخن گفتن: مطرح نمی‌شود.
 - سازماندهی متن شفاهی: مطرح نمی‌شود.
- ج. سخن گفتن انتقادی
 - به‌کارگیری اندیشه قبل از سخن گفتن

جدول ۵. گستره آموزش مهارت سخن گفتن در راهنمای برنامه درسی زبان فارسی ایران برای دوره ابتدایی (ویراست ۱۳۸۸)

در این قسمت پاسخ به پرسش سوّم این پژوهش درباره مهارت سخن گفتن مطرح می‌شود. با توجه به شاخص‌های عمق و گستره آموزش مهارت سخن گفتن در دوره ابتدایی (جداول ۱ و ۲) و نیز با توجه به عمق و گستره آموزش این مهارت در راهنمای برنامه درسی زبان فارسی ایران (جداول ۴ و ۵) می‌توان نقاط قوت و ضعف برنامه یاد شده را به لحاظ عمق (تعداد مؤلفه‌های در نظر گرفته‌شده برای آموزش سخن گفتن) و گستره آموزش مهارت سخن گفتن در دوره ابتدایی (چگونگی توزیع آموزش این مؤلفه‌ها در دوره ابتدایی) تبیین کرد. ذکر این نکته ضروری است

که ملاک قوت و ضعف در این مقاله میزان نزدیکی یا دوری هدف‌های آموزش سخن گفتن در راهنمای برنامه‌دستی زبان فارسی با شاخص‌های آموزش سخن گفتن در چارچوب این مقاله است. به این ترتیب، هر چه هدف‌های یاد شده تعداد بیشتری از شاخص‌ها (و زیرشاخص‌ها) ی مورد نظر در این مقاله را پوشش داده و با آنها هماهنگی بیشتری داشته باشد از نقاط قوت بیشتری برخوردار است و برعکس، هر چه تعداد کمتری از شاخص‌ها (و زیرشاخص‌ها) ی مورد نظر را پوشش داده و با آنها هماهنگی کمتری داشته باشد نقاط ضعف بیشتری دارد. در ادامه، ابتدا نقاط قوت و ضعف هدف‌های آموزش سخن گفتن در راهنمای برنامه‌دستی زبان فارسی ایران در دوره ابتدایی با توجه به عمق آموزش این مهارت زبانی مطرح می‌شود و سپس نقاط قوت و ضعف آنها با توجه به گستره آموزش این مهارت مورد بحث قرار می‌گیرد.

نقاط قوت و ضعف آموزش مهارت سخن گفتن در راهنمای برنامه‌دستی زبان فارسی ایران برای دوره ابتدایی با توجه به عمق آموزش این مهارت زبانی

پیشتر گفته شد که سخن گفتن صورت آکادمیک صحبت کردن است و مشتمل بر فرایندهای رمزگذاری واژه‌های شفاهی و تولید متن شفاهی است. توانایی رمزگذاری واژه‌های شفاهی به صورت خودکار کسب می‌شود، اما مهارت در مرحله بعدی سخن گفتن، یعنی تولید متن شفاهی، از طریق سخن گفتن به صورت متناسب با بافت موقعیت (سخن گفتن بافت‌مدار)، استفاده از راهبردهای سخن گفتن (فن سخن گفتن - سازماندهی متن شفاهی) و نیز سخن گفتن به صورت انتقادی کسب می‌شود. ناگفته نپیداست که کسب مهارت در تولید متن شفاهی مستلزم آموزش آگاهانه است. با توجه به مطالب پیش گفته درباره عمق آموزش مهارت سخن گفتن در برنامه‌دستی دوره ابتدایی ایران می‌توان ادعا کرد که تنها نقطه قوت آموزش این مهارت در دوره یاد شده توجه به شاخص تولید متون شفاهی است. اما برنامه‌دستی یاد شده با توجه به عمق آموزش مهارت سخن گفتن دارای نقاط ضعف متعددی است از جمله این‌که:

- هیچ یک از زیرشاخص‌های مطرح شده برای آموزش تولید متون شفاهی (سخن گفتن بافت‌مدار، راهبردهای سخن گفتن (فن سخن گفتن - سازماندهی متون شفاهی) و سخن گفتن انتقادی) به صراحت مطرح نمی‌شوند.

- از میان زیرشاخص‌های مطرح شده (در چارچوب این مقاله) برای عمق آموزش سخن گفتن، زیرشاخص راهبردهای سخن گفتن (فن سخن گفتن و سازماندهی متن شفاهی) در دوره ابتدایی به هیچ وجه آموزش داده نمی‌شوند. ذکر این نکته ضروری است که آموزش زیرشاخص‌های

سخن گفتن بافت‌مدار و سخن گفتن انتقادی در دوره ابتدایی نیز تابع هیچ مبنای نظری خاصی نیست و تنها بخش‌هایی از آنها به صورت پراکنده مورد توجه قرار گرفته‌است.

- در هدف‌های شناختی و عاطفی (نگرشی) برنامه‌های یادشده آموزش دانش مربوط به شاخص تولید متون شفاهی و زیرشاخص‌های آن مدنظر قرار ندارد.

نقاط قوت و ضعف آموزش مهارت سخن گفتن در برنامه درسی زبان فارسی ایران برای دوره ابتدایی با توجه به گستره آموزش این مهارت زبانی

با توجه به مطالب پیش گفته درباره گستره آموزش مهارت سخن گفتن در برنامه درسی فارسی برای دوره ابتدایی ایران می‌توان ادعا کرد که تنها نقطه قوت گستره آموزش این مهارت در دوره یادشده توجه به شاخص تولید متون شفاهی در این دوره تحصیلی است. اما گستره آموزش مهارت سخن گفتن در برنامه درسی یادشده دارای نقاط ضعف متعددی است از جمله این‌که:

- آموزش شاخص تولید متون شفاهی به صورت کلی و بدون داشتن مبنای نظری در دوره ابتدایی دنبال می‌شود. در نتیجه آموزش مؤلفه‌های مهارت سخن گفتن متناسب با توان ذهنی دانش‌آموزان دنبال نمی‌شود.

- از میان زیرشاخص‌های مطرح شده (در چارچوب این مقاله) برای آموزش تولید متن شفاهی، زیرشاخص راهبردهای سخن گفتن (فن سخن گفتن و سازماندهی متن شفاهی) در دوره ابتدایی به هیچ وجه آموزش داده نمی‌شود. از طرفی، آموزش بخش‌هایی از زیرشاخص‌های سخن گفتن بافت‌مدار و سخن گفتن انتقادی بدون مبنای نظری و به صورت پراکنده مورد توجه قرار گرفته‌است. درباره نقاط ضعف گستره آموزش زیرشاخص‌های یادشده در دوره ابتدایی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- در حوزه زیر شاخص سخن گفتن بافت‌مدار، دانش آموزان یاد نمی‌گیرند که:
- برای نیل به اهداف مختلف صحبت و فعالانه در بحث‌های مختلف شرکت کنند؛
- متناسب با بافت موقعیت (رسمی و غیررسمی)، مخاطب و هدف صورت‌ها و گونه‌های زبان معیار را انتخاب کرده و در گفتار شفاهی خود به کاربرند؛
- سرعت و چگونگی ارائه خود را با هدف، موقعیت و مخاطب خود تطبیق بدهند؛
- از دستور متناسب با گفتار و واژگان متناسب با موضوع و بافت موقعیت استفاده کنند؛
- به طرز مؤثر با افرادی از فرهنگ (مذهب) خود یا از فرهنگ‌های (مذهب‌های) متفاوت تعامل برقرار کرده و بتوانند دیدگاه‌های خود درباره یک موضوع را به طور شفاهی مطرح کنند.

در حوزه زیرشاخص راهبردهای سخن گفتن (فن سخن گفتن) دانش‌آموزان یاد نمی‌گیرند که:

- از عناصر زبانی و غیرزبانی برای بیان افکار و احساسات خود و جلب توجه مخاطب استفاده کنند؛

- فضای ارائه خود را طوری ترتیب دهند که توجه مخاطب را جلب کند؛

- در موقعیت‌های رسمی، با استفاده مناسب از بلندی صدا، سرعت گفتار و تلفظ واضح توجه مخاطب را به سخنان خود حفظ کنند؛

- با برخی از مختصه‌های اصلی زبان فارسی معیار گفتاری آشنا شده و کاربرد آنها را بیاموزند؛

- از مختصه‌های زبان شفاهی برای خلق معنا و اثرگذاری بر مخاطب استفاده کنند؛

- شایع‌ترین کاربردهای غیرمعیار در زبان فارسی را بیاموزند؛

- از واژه‌های پربسامد و واژه‌های قاموسی برای انتقال مطالب مدنظر خود استفاده کنند؛

- توجه و واکنش مخاطبان مختلف را جلب و آن را حفظ کنند (مثلاً با شوخ‌طبعی، تغییر سرعت گفتار).

در حوزه زیرشاخص راهبردهای سخن گفتن (سازماندهی متن شفاهی) دانش‌آموزان یاد نمی‌گیرند که:

- ضمن تمرکز بر نکات اصلی، جزئیات مربوط را نیز بیان کنند؛

- از جزئیات، مثال و دلیل برای حمایت از ایده اصلی استفاده کنند؛

- نوبتی صحبت کنند؛

- از واژگان مختلف برای توضیح، بیان و شرح مطالب استفاده کنند؛

- یک سخنرانی رسمی را با رعایت ترتیب منطقی مطالب و وقایع و نیز ارائه مقدمه، جزئیات

تأییدکننده و نتیجه‌گیری آماده نموده و برای گروه همسالان، دانش‌آموزان کوچک‌تر و یا اولیای خود ارائه کنند؛

- مطالبی را برای سخن گفتن انتخاب کنند که مرتبط به موضوع و مخاطب باشد.

در حوزه زیرشاخص سخن گفتن انتقادی دانش‌آموزان یاد نمی‌گیرند که:

- درباره نمایشی که تماشا کرده‌اند یا در آن شرکت داشته‌اند نظری سازنده ارائه دهند؛

- به صورت شفاهی نظر خود را درباره متنی که خوانده‌اند بیان کنند؛

- از بازخورد همسالان و پیشنهادهای معلم برای تجدید نظر درباره محتوا، سازماندهی

مطالب و نیز شیوه ارائه خود بهره بگیرند؛

- الگوهای واژگانی و جملات را برای بیان روشن مطالب آزمایش کنند؛

- گفتار خود را ارزیابی کرده و درباره تنوعات آن فکر کنند؛
 - با نظرات مخالف مؤدبانه برخورد کنند و این امکان را فراهم آورند که بحث ادامه یابد.
 با توجه به مطالب و جزئیات مطرح شده درباره عمق و گستره آموزش سخن گفتن در برنامه درسی زبان فارسی در دوره یادشده می‌توان گفت که آموزش مهارت سخن گفتن در این برنامه درسی به صورت سطحی برنامه‌ریزی شده است.

نتیجه‌گیری

با مطالعه برنامه درسی زبان فارسی ایران برای دوره ابتدایی می‌توان دریافت که در چارچوب این برنامه درسی مهارت سخن گفتن امری دانسته‌شده و بدیهی فرض می‌شود، چرا که تعریف مشخصی برای آن مطرح نمی‌شود و خرده‌مهارت‌های آن نیز معرفی نمی‌شوند. تدوین‌گران برنامه یادشده مستقیماً به بیان هدف‌های آموزش مهارت سخن گفتن می‌پردازند پیش از این که ابتدا چارچوب مفهومی آنها را مشخص کرده باشند. عدم تدوین چارچوب مفهومی برای این مهارت زبانی باعث شده است که هدف‌های آموزش آن به صورت کلی و مبهم ارائه شوند و تدوین آنها برای دوره ابتدایی به صورتی متناسب با سطح رشد و توان ذهنی دانش‌آموزان این دوره تحصیلی دنبال نشود.

نکته دیگر این که در چارچوب این برنامه درسی، انواع فعالیت‌های آموزشی که از طریق آنها دانش‌آموزان ایرانی دانش، مهارت‌ها و شناخت لازم را در زمینه مهارت سخن گفتن کسب می‌کنند به تفکیک پایه‌های تحصیلی ارائه نمی‌شود.

به طور کلی آموزش مهارت سخن گفتن در برنامه درسی زبان فارسی دوره ابتدایی ایران برنامه و هدف مشخصی را دنبال نمی‌کند و میان یادگیری سخن گفتن و نیز سخن گفتن برای یادگیری تعادل برقرار نمی‌شود.

از آنجا که مهارت‌های زبانی، آیم‌ها و ساختارهای دستوری در بافت کاربرد زبان آموزش داده شده و یادگرفته می‌شود، به عبارت دیگر، هدف، مخاطب، بافت و فرهنگ؛ سیاق یا تناسب گفتار را در موقعیت‌های رسمی و غیررسمی تعیین می‌کنند، لازم است که آموزش مهارت سخن گفتن به صورتی متناسب با بافت موقعیت فرهنگی - اجتماعی برنامه‌ریزی شود. اما این نکته در تدوین برنامه درسی زبان فارسی دوره ابتدایی ایران مغفول مانده است.

از طرفی، مشارکت و تعامل یادگیرندگان در یادگیری زبان، در تقویت اعتماد به نفس و روابط اجتماعی در میان دانش‌آموزانی از پیشینه‌های فرهنگی و مذهبی متفاوت اهمیت دارد. به هنگام

برنامه‌ریزی برای آموزش زبان فارسی به مشارکت و تعامل دانش‌آموزانی از پیشینه فرهنگی و مذهبی گوناگون توجه نشده است.

در کشورهای پیشرفته در سوادآموزی (از جمله کشورهایی که شرح برنامه‌درسی آنها گذشت) سخن گفتن به صورتی متناسب با بافت موقعیت آموزش داده می‌شود. مثلاً دانش‌آموزان یاد می‌گیرند که متناسب با مخاطب و هدف خود صورت‌های گفتاری متفاوتی (مانند داستان، و ...) را به کار ببرند، یا به هنگام برقراری ارتباط زبان خود را متناسب با موقعیت و جایگاه اجتماعی افراد طرف گفت‌وگو انتخاب کنند. اما با توجه به هدف‌های آموزش سخن گفتن در راهنمای برنامه‌درسی زبان فارسی ایران برای دوره ابتدایی می‌توان گفت که قرار نیست دانش‌آموزان ایرانی سخن گفتن را به صورتی متناسب با بافت موقعیت بیاموزند.

در کشورهای پیشرفته در سوادآموزی از جمله آمریکا، انگلستان و سنگاپور آموزش سخن گفتن به صورت انتقادی انجام می‌شود. مثلاً دانش‌آموزان یاد می‌گیرند که با بحث در قالب گروه‌های کوچک و بزرگ، موضعی را حمایت، تعدیل یا رد کنند. اما با توجه به هدف‌های آموزش سخن گفتن در راهنمای برنامه‌درسی زبان فارسی ایران برای دوره ابتدایی می‌توان گفت که قرار نیست دانش‌آموزان ایرانی از دوره ابتدایی سخن گفتن را به صورت انتقادی بیاموزند.

همچنین، در کشورهای پیشرفته در سوادآموزی، آموزش سخن گفتن با کمک فناوری اطلاعات و ارتباطات انجام می‌شود. مثلاً دانش‌آموزان یاد می‌گیرند که متناسب با مخاطب و هدف خود صورت‌های گفتاری متفاوتی (مانند داستان، مصاحبه، گزارش، متون چندرسانه‌ای و ...) را تولید کنند و به هنگام ارائه سخنرانی به صورتی هدفمند از فناوری اطلاعات و ارتباطات به طرز مناسبی استفاده کنند. اما با توجه به هدف‌های آموزش سخن گفتن در راهنمای برنامه‌درسی زبان فارسی ایران برای دوره ابتدایی می‌توان گفت که قرار نیست دانش‌آموزان ایرانی از دوره ابتدایی سخن گفتن را با کمک فناوری اطلاعات و ارتباطات بیاموزند.

با توجه به مطالب مطرح شده می‌توان گفت که در چارچوب برنامه‌درسی زبان فارسی، آموزش مهارت سخن گفتن در دوره ابتدایی به صورتی متناسب با بافت موقعیت آموزش داده نمی‌شود. همچنین، آموزش آن به صورت انتقادی مدنظر قرار نگرفته است و اگر هم در مواردی به شکل صوری مطرح شده مانند موارد دیگر تعریف عملیاتی و نیز راهکار عملی آموزش آن ارائه نشده است؛ و بالاخره، آموزش مهارت خواندن با کمک فناوری اطلاعات و ارتباطات برنامه‌ریزی نشده است.

با توجه به نقاط ضعف مطرح شده برای آموزش سخن گفتن در برنامه‌درسی زبان فارسی

- برای دوره ابتدایی ایران موارد زیر برای اصلاح این برنامه اقدامات زیر پیشنهاد می‌شود:
- تدوین چارچوب مفهومی برای مهارت سخن گفتن؛
 - تدوین هدف‌های آموزش مهارت سخن گفتن متناسب با چارچوب مفهومی آن؛
 - تدوین هدف‌های آموزش مهارت سخن گفتن به صورتی وابسته به بافت موقعیت؛
 - تدوین هدف‌های آموزش مهارت سخن گفتن به صورتی پیوسته و منسجم برای پایه‌های دوره ابتدایی در ادامه یکدیگر و متناسب با سطح رشد و توان ذهنی دانش‌آموزان؛
 - اصلاح برنامه آموزش معلمان زبان و ادبیات فارسی همسو با تغییر برنامه درسی مربوط.

فهرست منابع فارسی

- داناى طوسى، مریم. (۱۳۸۹). مطالعه هدف ها و مؤلفه‌های مهارت‌های ادراکی و تولیدی زبان در برنامه درسی زبان فارسی در دوره‌های مختلف تحصیلی، گزارش نهایی طرح پژوهشی. تهران: مؤسسه پژوهشی برنامه‌ریزی درسی و نوآوری‌های آموزشی (وزارت آموزش و پرورش).
- راهنمای برنامه درسی فارسی دوره ابتدایی. (۱۳۸۸). دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی؛ سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، تهران.
- طیبی، اکرم. (۱۳۸۵). مطالعه تطبیقی تولید راهنمای برنامه درسی در یک ماده خاص (زبان‌آموزی) در دوره آموزش عمومی. گزارش منتشر نشده. تهران: مؤسسه پژوهشی برنامه‌ریزی درسی و نوآوری‌های آموزشی.
- عصاره، فریده. (۱۳۸۲). بررسی مشکلات زبان‌آموزی کودکان پایه اول ابتدایی در مناطق دوزبانه و ارائه الگوی برنامه درسی برای آنان. گزارش نهایی طرح پژوهشی. تهران: مؤسسه پژوهشی برنامه‌ریزی درسی و نوآوری‌های آموزشی.
- قاسم‌پور مقدم، حسین. (۱۳۸۲). بررسی تطبیقی دیدگاه‌ها، رویکردها و روش‌های برنامه درسی زبان‌آموزی به منظور ارائه الگوی مناسب برای آموزش زبان فارسی، پایان نامه دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
- نعمت زاده، شهین. (۱۳۸۴). شناسایی واژگان پایه فارسی دانش‌آموزان ایرانی در دوره ابتدایی. گزارش نهایی طرح پژوهشی. تهران: مؤسسه پژوهشی برنامه‌ریزی درسی و نوآوری‌های آموزشی.
- وزیر نیا، سیما. (۱۳۸۴). زبان فارسی معیار (در متن آموزشی). گزارش نهایی طرح پژوهشی. تهران: مؤسسه پژوهشی برنامه‌ریزی درسی و نوآوری‌های آموزشی.

فهرست منابع انگلیسی

- Butler, F., Eignor, D., Jones, S., McNamara, T., & Suomi, B. (1999). TOEFL 2000 speaking framework: A working paper. (TOEFL Monograph Series Report No.20). Princeton, NJ: Educational Testing Service.
- Eysenck, M., E., & Keane, M., (2005). Cognitive psychology: A student's handbook. 5th edition, Psychology Press.
- Grice, H.P. (1967). Logic and conversation. In P. Cole & J.L. Morgan (Eds.), Studies in syntax, Vol.III. New York: Seminar Press.
- Levelt, W. I. M. (1989). Speaking: From intention to articulation. Cambridge, MA: MIT Press.
- Liddicoat, A.J. (2007). Language planning & policy: Issues in language planning & literacy. UK: Multilingual Matters Ltd.
- Linguistics 18:102-123.
- Mullis, I., V., S., Kennedy, A., M., Martin, M., O., & Sainsbury, M. (2006). PIRLS assessment framework and specifications. TIMSS & PIRLS International Study Center : United States.
- New Jersey department of education. (2004). New Jersey core curriculum content standards for language arts literacy.
- Qualifications and curriculum authority (2007). England national curriculum at key stages 1, 2, 3 & 4.
- Rost Goulden, N. (1998). Implementing speaking and listening standards: Information for English teachers, English Journal, Vol. 88, No. 1.
- Singapore ministry of education. (2006). Nurturing every child: flexibility and diversity in Singapore schools.

زیر نویس

۱. مقاله حاضر بخشی از گزارش طرح پژوهشی " تبیین هدفها و مؤلفه‌های مهارت‌های ادراکی و تولیدی زبان در برنامه درسی زبان ملی ایران در دوره‌های مختلف تحصیلی" است که نگارنده به سفارش سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی انجام داده است.

2. Grice
3. cooperative principle
4. Rost Goulden
5. Butler, Eignor, Jones, McNamara., & Suomi

6. Richards
7. topic management
8. questioning strategies
9. McCarthy and Carter
10. Jones
11. Luoma
12. Spoken discourse
13. online
14. Brown and Levinson
15. Brown and Yule
16. Jones
17. Burns
18. talk as interaction
19. talk as transaction
20. talk as performance
21. adjacency pairs
22. منظور از جفت مجاور دو پاره گفتار است که میان دو سخن‌گو رد و بدل می‌شود. نمونه بارز آنها پرسش-پاسخ، احوال‌پرسی- احوال‌پرسی و پیشنهاد- پذیرش است (لویسنون، ۱۹۸۳).
23. monologue
24. Tsang and Wong
25. Mulis, Martin & Gonzalez
26. posture